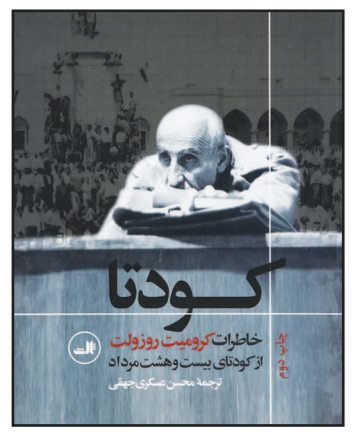
معرفی کتاب

دوازده به علاوه یک



دوازده به علاوه یک از سعید کمالی دهقان که انتشارات افق چاپ کرده، کتاب متفاوتی است، از جنسی متفاوت و بدون شک نمونه‌اش را با این ابعاد ارزشمند کم خواهیم یافت. سعید کمالی دهقان که خبرنگار گاردین است، در دوازده به علاوه یک با نویسندگان، شعرا و بزرگانی از دنیای سینما گفت‌وگو کرده است و مصاحبه‌ها را به فارسی برگردانده و مجموعه‌ای کم‌نظیر و فراتر از یک ترجمه صرف پدید آورده است. دوازده به علاوه یک گفت‌وگو با دوازده چهره سرشناس و تأثیر گذار غیرایرانی و یک چهره نام آشنا اما دیر یافته ایرانی است. دوازده به علاوه یک گفت‌وگو با دوازده چهره ادبی و یک کارگردان است. گفت‌وگو با ماریو بارگاس یوسا، پل استر، ای.ال. دکتروف، اریک امانوئل اشمیت، املی نوتومب، ویسواوا شیمبورسکا، جان بارت، آلن دوباتن، تی. سی. بویل، ایزابل آلنده، اری دلوکا، دیوید لینچ و اسماعیل فصیح رمان‌نویس معاصر ایران است. تعدادی از این گفتوگوها حضوری انجام شده و چندتایی تلفنی. گفت‌وگوها چالشی‌اند و در مدت زمان طولانی انجام شده است و دربرگیرنده پرسش و پاسخ‌ها حول محور آثار این چهره‌های سرشناس هستند که آثار بیشتر این مشاهیر به فارسی ترجمه شده است و دو نفر از آن‌ها برندگان جایزه ادبی نوبل هستند. بخش پایانی کتاب گفت‌وگو با نویسنده تأثیرگذار ایرانی است که زندگی و شخصیت بی‌حاشیه او، موجب شده در ادبیات معاصر ایران مهجور باقی بماند و در طول زندگی‌اش کمتر تن به مصاحبه داده است.

کودتا



کتاب کودتا به قلم کرومیت روزولت و ترجمه روان و درخشان محسن عسگری جهقی که نشر ثالث منتشر کرده است، کتابی از زاویه دید مأمور سازمان سیا در ایران برای رهبری طرح و برنامه کودتا از جانب آمریکا است. اگرچه نویسنده سوگیری نسبت به دکتر محمد مصدق را در آن مهار کند، اما وقایع و حوادث با جزئیات و با تکیه بر اسناد و مدارک سازمان سیا می‌تواند خوانشی دیگر از واقعه کودتای ۲۸ مرداد به دست دهد تا خواننده بتواند روایتی را با زاویه دیدی متفاوت که متعلق به هیچ‌یک از جناح‌های داخلی نیست، بازخوانی کند. کرومیت روزولت پسر عموی روزولت رئیس جمهور وقت آمریکا است و تمام حوادث پیش و بعد از کودتا را با تمام لایه‌های پنهان و پیدایش برای خواننده ایرانی بازگو می‌کند. اگر چه در باب کودتا یا دکتر محمد مصدق کتاب‌هایی به نسبت جامع تألیف و تدوین شده است، اما کتاب کودتا نه با نگاه دکتر محمد مصدق و نه هم حزبی‌های او و نه محققان و تاریخ‌نگاران ایرانی نوشته شده که از نگاه فاعل اصلی کودتای ۲۸ مرداد است. نقطه قوت کتاب نقل از اسناد و مدارک است که روایت را از حدس و گمان دور می‌کند. سفیدخوانی کتاب کودتا کمک می‌کند بسیاری حقایق درباره شخصیت‌های کتاب روشن شود تا بتواند قضاوت درستتری نسبت به تاریخ دهه سی داشته باشد. کودتا روایتی داستان گونه دارد و به گونه‌ای به رمانی تاریخی بدل شده است تا تمام طول همراه شدن با آن ورق خوردن آن را درنیابیم.

نگاهی به کتاب «دا» در ادبیات داستانی

«دا»؛ ادبیات یا خاطره شفاهی

PDF Compressor Free Version

صفحه کتاب در بخش بایگانی کتاب خود کتاب‌های چند دهه اخیر که از نظر موقعیت در جامعه شرایط متفاوتی داشتند را مرور خواهد کرد و تنها قصد دارد با ورق زدن تاریخ معاصر کتاب و از ورای فاصله چند ساله با سال انتشار کتاب‌ها، آنها را بازخوانی دوباره کند و تنها گزارشی از موقعیت یک کتاب داشته باشد و نیم نگاهی بی‌طرفانه به کتاب‌های پرهیاهوی سال‌های نه چندان دور بیاندازد.





افسانه فرقدان، روزنامه نگار

صفحه کتاب در بخش بایگانی کتاب خود کتاب‌های چند دهه اخیر که از نظر موقعیت در جامعه شرایط متفاوتی داشتند را مرور خواهد کرد و تنها قصد دارد با ورق زدن تاریخ معاصر کتاب و از ورای فاصله چند ساله با سال انتشار کتاب‌ها، آنها را بازخوانی دوباره کند و تنها گزارشی از موقعیت یک کتاب داشته باشد و نیم نگاهی بی‌طرفانه به کتاب‌های پرهیاهوی سال‌های نه چندان دور بیاندازد.

کتاب دا نوشته سیده زهرا حسینی، اهل بصره و ساکن خوزستان در سال ۱۳۷۸ در انتشارات سوره مهر منتشر شد. به‌طور طبیعی کتاب دا باید در رده‌بندی موضوعات در رده کتاب‌های خاطره‌نویسی جای بگیرد که به جریان زندگی نویسنده از کودکی، جوانی در جنگ و دوران پس از آن می‌پردازد. البته کتاب دا مشخصاً به نام کتابی در حیطه جنگ ایران و عراق و دفاع مقدس مشهور است. کتاب شامل سه بخش است؛ بخش نخست به سال‌های ابتدایی زندگی نویسنده می‌پردازد که در عراق اتفاق می‌افتد و در نهایت مهاجرت اجباری خانواده او به ایران را روایت می‌کند. بخش دوم کتاب مربوط به حوادث جنگ ایران و عراق است و بخش سوم در مورد زندگی شخصی نویسنده و ازدواج اوست. کتاب دا در سال ۱۳۸۸ عنوان پرمخاطب‌ترین کتاب سال را به خود اختصاص داد.

خاطرات این کتاب در دو شهر بصره و خرمشهر اتفاق می‌افتد و عمده‌ترین بخش کتاب سال‌های محاصره خرمشهر توسط نیروهای عراقی است. سیده زهرا حسینی در آن زمان دختر ۱۷ ساله‌ای بوده و گوشه‌ای از تاریخ جنگ را بازگو می‌کند که غالباً به اشغال و فتح خرمشهر مربوط می‌شود. تبلیغات گسترده‌ای برای این کتاب انجام شد، از جمله پوسترهایی با حضور هنرپیشه‌های معروف طراحی شد که به معرفی این کتاب پرداختند. همچنین این کتاب در دومین جایزه ادبی جلال آل‌احمد، کتاب برگزیده و شایسته تقدیر شد. دا کتابِ سال ۱۳۸۸ و در دومین جشنواره لوح و قلم تقدیر و در سیزدهمین جایزه دفاع مقدس کتاب برگزیده شد. یک فیلم تلویزیونی به کارگردانی سینا عطاییان و یک سریال ۳۰ قسمتی رادیویی از آن ساخته شد. به‌سرعت به چند زبان دیگر ترجمه و ترجمه عربی آن زیر نظر سید حسن نصرالله در لبنان منتشر شد. همچنین با نام «نبرد یک زن» به زبان انگلیسی و در آمریکا ترجمه و منتشر شد.

ادبیات برجسته کردن سیاهی و سفیدی و هر آن چه است که بدان می‌پردازد، ادبیات یعنی روایت کردن آن چه از عهده نقل شفاهی برنمی‌آید وگرنه هر کسی می‌تواند تمام جملاتی که تعریف می‌کند را عیناً مکتوب کند

اکنون از آن‌جایی که کتاب در جایزه ادبی جلال آل‌احمد کتاب برگزیده شده است باید ببینیم این کتاب به‌واقع در زیرگروه چه ژانری قرار می‌گیرد. آیا این کتاب نه در عناوین خاطره‌نویسی و اتوبیوگرافی که در رده رمان‌های فارسی قرار می‌گیرد؟ از این جهت بخشی کوتاهی از کتاب را می‌آورم تا شیوه نگارش و روایت کتاب را بهتر دریابیم؛

داستانی از کتاب

«پیکر پسر جوانی را دیدم که به شکل دلخراشی به شهادت رسیده بود. نمی‌توانستم بیشتر ازین به او نگاه کنم. چه برسه بخواهم به او دست بزنم و یا جابه جایش کنم. آخر پایین تنه‌اش از قسمت کمر و لگن بر اثر موج انفجار شکافته و به‌هم پیچیده شده بود. طوری که پاهایش خلاف جهت تنه رو به بالا افتاده بودند. یک دستش هم از ناحیه کتف کاملاً له شده بود. تقریباً تمام بدن جوان تکه تکه شده و لهیده شده بود.

دردناک‌تر از همه وضع پدر و مادر سالخورده جوان بود که از خانه محقرشان بیرون آمده با گریه و زاری او را صدا می‌زدند: عبدالرسول، عبدالرسول

وقتی دیدم پیرزن خودش را روی زمین انداخت و کورمال کورمال روی خاک‌ها دست کشید و جلو آمد تا خودش را به جنازه برساند، تازه فهمیدم چشمانش نمی‌بیند. به شوهرش نگاه کردم او هم نابینا بود.

پیرزن که دیگر به پسرش رسیده بود، روی جنازه دست می‌کشید و می‌گفت: یوما، یوما. مادر، مادر. پیرمرد هم جلوی درگاه خانه ایستاده بود و با گریه می‌گفت: عبدالرسول، عبدالرسول جاوبنی. عبدالرسول جوابم رو بده. انگار پیرزن از سکوت پسرش فهمیده بود اتفاقی افتاده است».

خاطرات این کتاب در دو شهر بصره و خرمشهر اتفاق می‌فتد و عمده‌ترین بخش کتاب سال‌های محاصره خرمشهر توسط نیروهای عراقی است. سیده زهرا حسینی در آن زمان دختر ۱۷ ساله‌ای از تاریخ جنگ را بازگو می‌کند که غالباً به اشغال و فتح خرمشهر مربوط می‌شود

نقل خاطرات شفاهی

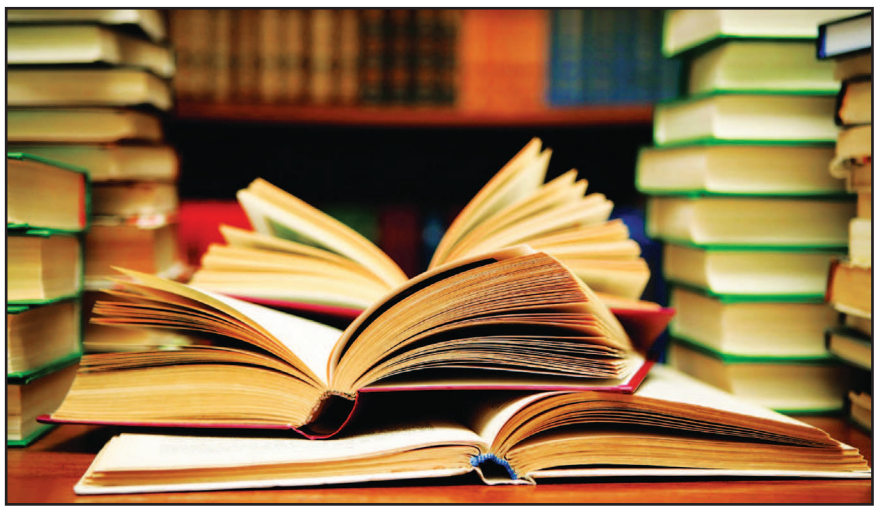
آن چه خواندیم تنها یک خاطره شفاهی بدون قدرت تصویرپردازی است. زبان یکدست نیست تا جایی که می‌خوانیم: «چه برسه و نه در چه برسد» که لحن محاوره با لحن معیار درهم آمیخته و فارغ از زبان داستانی است. داستان زاویه دید یک روایتگر دقیق و حساس را ندارد. زیرا یک جا می‌گوید: بدن جوان به هم پیچیده شده بود و در دو سطر پایین‌تر می‌گوید: بدن جوان تک تکه شده بود. یعنی نمی‌تواند شرح دقیقی از وضعیت جوان بدهد. داستان تعریف می‌شود، نشان داده نمی‌شود، یعنی وقتی می‌گوییم «جوان به شکل دلخراشی به شهادت رسیده بود» دلخراش را باید به تصویر بکشیم. وقتی می‌گوییم «خانه محقر» منظورمان دقیقاً چه‌طور خانه‌ای است، آیا خانه‌ای که از نظر نویسنده محقر است، از نظر مخاطب هم محقر است؟ ما هیچ تصویر و تشریح دقیقی از خانه در دست نداریم. تصویری دقیق از موقعیت و خانه و ظاهر پیرزن و پیرمرد و موقعیت آن‌ها نسبت به پسر شهیدشان نداریم. داستان در حد تعریف واقعه‌ای بین دونفر دوست و آشنا نقل می‌شود و روایت و پیرنگ ادبی حتی برای خاطره‌نویسی در آن به چشم نمی‌خورد تا جایی که پرش صحنه، ذهن مخاطب را از دریافت دقیق توالی اتفاقات در همین داستان کوتاه و بدون تنش باز می‌دارد و با خود درگیر نمی‌کند. گویا داستان‌ها شتاب‌زده و بی‌حوصله روایت می‌شوند و نویسنده تند و سریع عبور می‌کند تا به حادثه‌ای دیگر بپردازد. مورد دیگر این است که کلمات بسیار با زبان معیار و رسمی مطابقت دارند؛ مثل سالخورده، محقر و....

گویی نویسنده دارد با مخاطبی با پیش‌زمینه ذهنی از افراد و وقایع حرف می‌زند

اگر این کتاب را نه یک رمان واقع‌گرایانه که در این مقوله از آن تقدیر شده بلکه در حیطه خاطره‌نویسی باز هم جای عنصر معرفی دقیق شخصیت‌ها و پرداخت آن‌ها برای مخاطب خالی است. گویی نویسنده دارد با مخاطبی با پیش‌زمینه ذهنی از افراد و وقایع حرف می‌زند. شخصیت‌های کتاب به ناگاه به وسط معرکه‌ای پرت می‌شوند و تنها وضعیت تأثیرگذار آن‌ها به‌خودی خود در بحبوحه جنگ و سرانجام دردناک آنها همدردی خواننده ایرانی یا خواننده رقیق القلب را برمی‌انگیزد، اما روایت این افراد چنان بیرونی و عینی است که از حداقل امکانات زاویه دید نویسنده بهره‌ای نمی‌برد تا جایی که نمی‌تواند تأثیری مستمر و طولانی در ذهن خواننده به‌جا بگذارد و این یعنی بیگانگی اثر با ادبیات. چرا که ادبیات برجسته کردن سیاهی و سفیدی و هر آنچه است که بدان می‌پردازد، ادبیات یعنی روایت کردن آن‌چه از عهده نقل شفاهی برنمی‌آید وگرنه هر کسی می‌تواند تمام جملاتی که تعریف می‌کند را عیناً مکتوب کند. همه ما در نقل شفاهی تبحر داریم اما این اعجاز کلمات و شیوه روایت یک پیرنگ منسجم و پیوند شخصیت‌ها با خواننده است که ادبیاتی قابل تقدیر می‌سازد. زبان روایت با دختری ۱۷ ساله فاصله زیادی دارد، انگار نه دختری ۱۷ ساله زنی پنجاه واندی ساله در حال روایت است و جدا از آن، یک صدایی در تمام شخصیت‌ها ویژگی بارز داستان‌هاست. یعنی شخصیت‌ها زبان و صدای مختص به‌خود را ندارند. روایت تنش و فراز و فرود ندارد و حتی صحنه‌ای چنین دردناک (داستانی که در بالا آمد) بدون بهره‌گیری از زبان برای میخکوب کردن و نهایت تأثیرگذاری بر مخاطب روایت می‌شود.

باید دوباره هر حادثه را زندگی کنیم

البته خاطره‌نویسی از یک جریان واحد ممکن است مشکلاتی هم داشته باشد؛ یعنی وقتی ما مبنای روایت را بر جزء به جزء حوادث واقعی از سال‌هایی که با آن فاصله



خاطرات این کتاب در دو شهر بصره و خرمشهر اتفاق می‌فتد و عمده‌ترین بخش کتاب سال‌های محاصره خرمشهر توسط نیروهای عراقی است. سیده زهرا حسینی در آن زمان دختر ۱۷ ساله‌ای از تاریخ جنگ را بازگو می‌کند که غالباً به اشغال و فتح خرمشهر مربوط می‌شود

زیادی گرفته‌ایم قرار می‌دهیم، بدون تردید دچار لغزش‌هایی در توالی و بازپیدایی دقیق حوادث خواهیم داشت.

روایت گذشته آن هم روایتی از جنگ و محاصره که ابعاد گسترده و یقین از دیده پنهانی برای راوی دارد، کاری بس دشوار است و نیاز دارد که با حوصله بیشتر و سر فرصت به گذشته بازگردیم و دوباره هر حادثه را زندگی کنیم و بنویسیم. اگر درباره واقعیت و حقایق اتفاق بزرگی چون دفاع به‌راستی مقدس از خرمشهر می‌نویسیم، توصیف صحنه‌ها و شرح حوادث می‌تواند همدلی بیشتر، تصویری دقیق‌تر، جزئی‌تر و حتی سینمایی‌تر برای مخاطب فراهم کنیم تا خواننده‌ای که در متن جنگ نبوده و درکی از گیرودار جنگ ندارد، آن را دقیقاً تصویر کند و بتواند همدلی بیشتری داشته باشد و با قدرت تصویری چنان کنیم که صحنه محوری موجب شود صحنه‌های حوداث در ذهن مخاطب حک شود، گویا که خود در آن‌جا حضور داشته و همه را به چشم دیده است. گویا برخی حوادث و شخصیت‌های این کتاب با کتاب هوبره علی عچرش در تناقض است و به اختلافاتی میان این دو نویسنده دامن زد (فرصت پرداختن به کتاب هوبره در این مجال نیست). از دیگر سو ناخدا یکم، هوشنگ صمدی، فرمانده نیروی دریایی که در حصر آبادان و بازپس گیری خرمشهر شرکت داشته است، بخش‌هایی از این کتاب را به چالش کشیده است؛ از جمله این ادعای خانم زهرا حسینی را که ایشان و خواهرشان هر کدام یک تفنگ ۱۰۶ حمل کرده‌اند و ناخدا صمدی اعلام کردند این تفنگ ۲۰۰ کیلوگرم وزن دارد و چنین اتفاقی عملاً غیرممکن است.

روایت گذشته آن هم روایتی از جنگ و محاصره که ابعاد گسترده تروازدیده پنهان تری برای راوی دارد، کاری بس دشوار است و نیاز دارد که با حوصله بیشتر و سر فرصت به گذشته بازگردیم و دوباره هر حادثه را زندگی کنیم و بنویسیم

دفاع مقدس هنوز آنچنان که باید بازتعریف نشده است

اتوبیوگرافی نویسی و نه تعریف خاطره، ژانری در ادبیات است که اگر همچنان میان نویسندگان و اهالی ادبیات مهجور است و طرفدار چندانی ندارد، اما در کشورهای پیشرفته یکی از اساسی‌ترین وجوه بازیابی حقیقت محسوب می‌شود و از قضا بسیار پرمخاطب نیز هست. بنابراین ضروری است که به اصول این ژانر ادبی و ابعاد پیچیده آن توجه بیشتری داشته باشیم. بی‌شک سال‌های دفاع مقدس هنوز آنچنان که باید بازتعریف نشده است. ابعاد گسترده این جنگ و حضور مردم در کنار نیروهای نظامی وجوه دیگری به این جنگ نسبت به جنگ‌های دیگر داده است. وقایع پیچیده جنگی با کمترین امکانات دفاعی و لایه‌های ژرف دورن انسان‌هایی که در آن حضور داشتند، داستان‌های بسیاری دارد که نویسندگان قدر این مرز و بوم را به میدان می‌طلبد. بی‌تردید هنوز داستان‌های دفاع مقدس را آن گونه که باید ننوشته‌ایم و نخوانده‌ایم.